

اردیبهشت ۱۴۰۱

مسلسل: ۱۸۲۲۶

بررسی و آسیب‌شناسی نظام ارتقای اعضای هیئت علمی؛

۲. بسته پیشنهادی اصلاح و بازنگری

آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی





شماره مسلسل: ۱۸۲۲۶

کدموضوعی: ۲۷۰

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی و آسیب‌شناسی نظام ارتقای اعضای هیئت علمی؛ ۲. بسته پیشنهادی اصلاح و بازنگری آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی

نام دفتر: معاونت پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی - مطالعات فرهنگی و آموزش (گروه

آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

تهیه و تدوین: هادی یوسفی

ناظران علمی: موسی بیات، کمیل قیدرلو

مدیر مطالعه: یوسف زراعت‌کیش

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. نظام ارتقا

۲. آیین‌نامه ارتقا

۳. فعالیت‌های آموزشی

۴. فعالیت‌های پژوهشی



تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۲/۳۱

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۲.....	مقدمه
۴.....	ملاحظات و الزامات مربوط به عناصر نظام ارتقای اعضای هیئت علمی
۹.....	پیشنهاد‌های اصلاح آیین‌نامه ارتقا
۲۱.....	جمع‌بندی و پیشنهادها



بررسی و آسیب‌شناسی نظام ارتقای اعضای هیئت علمی؛ ۲. بسته پیشنهادی اصلاح و بازنگری آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی

چکیده

نظام ارتقای اعضای هیئت علمی علاوه بر آیین‌نامه ارتقا، فرایند و شیوه اجرایی ارتقای (کمیته‌های فرعی و هیئت ممیزه) شامل عناصر دیگری است که به‌منظور اصلاح کژکارکردی‌های آن (مانند یکسان‌نگری به انواع دانشگاه‌ها، گروه‌ها و رشته‌های علمی؛ تسلط رویکرد کمی بر کیفی؛ عدم تناسب در ارزشگذاری میان فعالیت‌ها و...)، می‌بایست با یکدیگر هم‌راستا باشند، که از جمله آنها می‌توان به مأموریت دانشگاه‌ها، نوع تأمین مالی دانشگاه‌ها، ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی و... اشاره کرد. از این‌رو در گزارشی با عنوان «الزامات کارآمدسازی نظام ارتقای اعضای هیئت علمی»^۱ ابتدا به روند پژوهی و آسیب‌شناسی نظام ارتقا و همچنین مطالعه تطبیقی دانشگاه‌های منتخب در این خصوص پرداخته شد. در گزارش حاضر که مبتنی بر گزارش اول است، ابتدا اقدامات لازم جهت همسوسازی تمامی عناصر مرتبط با نظام ارتقا توصیه شده و سپس اصلاحات پیشنهادی در آیین‌نامه ارتقا به تفکیک مواد چهارگانه (فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی؛ فعالیت‌های آموزشی؛ فعالیت‌های پژوهشی، فناوری و فعالیت‌های علمی - اجرایی) ارائه می‌شود. در پایان نیز با

توجه به ارتباط و سطح ورود نهادها به مسئله ارتقا پیشنهادهایی در این زمینه به شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی ارائه شده است. همچنین با توجه به ارتباط این موضوع به کفایت علمی دانشجویان دکتری، پیشنهاد اصلاح آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مطرح شده است.

مقدمه

نظام ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی سیاستگذاری در نظام آموزش عالی نقش ویژه‌ای در جهت‌دهی به عملکرد اعضای هیئت علمی دارد که آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی، عینی‌ترین نمود آن محسوب می‌شود. اهمیت آیین‌نامه ارتقا از این جهت است که با ایجاد تغییر در رویکرد یا مواد و بندهای آن می‌توان تغییرات قابل توجهی در عملکرد اعضای هیئت علمی مشاهده نمود. بدین معنا که در صورت منطبق بودن آن با نیازها و اولویت‌های کشور، می‌توان شاهد این بود که عملکرد اعضای هیئت علمی و حتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در این راستا قرار گیرد. تغییرات آیین‌نامه ارتقا در دو دهه اخیر نیز خود تأییدی بر این مدعاست، به‌طوری که در این بازه زمانی آیین‌نامه چهار مرتبه به‌طور کامل توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی مورد بازنگری قرار گرفته و در برخی موارد نیز جزئیاتی از آن دستخوش تغییرات شده است، که جزئیات تغییرات صورت‌گرفته در بخش روندپژوهی گزارش اول به‌دقت بررسی شده و آخرین آیین‌نامه مصوب (۱۳۹۴) نیز آسیب‌شناسی شده است. به‌طور اجمال برخی از مهم‌ترین آسیب‌های شناسایی شده در گزارش پیشین^۱ عبارت است از: نگاه یکسان به تمامی رشته‌ها

۱. الزامات کارآمدسازی نظام ارتقای اعضای هیئت علمی، صص ۲۷-۲۳.



و گروه‌های علمی و در نظر نگرفتن تنوع؛ در نظر نگرفتن نظرات ذی‌نفعان مختلف به خصوص صنعت و جامعه در مراحل مختلف؛ عدم ارتباط نظام ارتقا با نظام تأمین مالی؛ کم‌توجهی به سایر سیاست‌های نظام آموزش عالی مانند آمایش آموزش عالی و....

از سوی دیگر با توجه به وضعیت موجود کشور و شرایط ویژه کنونی (وجود معضلات و مسائل مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... در کشور، پیشرفت‌های چشمگیر علمی و فناوری در حوزه‌های مختلف؛ غلبه رویکرد اقتصاد مبتنی بر دانش، تحریم‌های اقتصادی، نامگذاری سال ۱۴۰۱ با عنوان سال تولید، دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین) که با آن روبه‌رو هستیم، نیاز است تا دانشگاه‌های کشور و اعضای هیئت علمی به‌عنوان رکن اساسی آن، هرچه بیشتر در خدمت نیازها و اولویت‌ها باشند. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد با وجود اصلاح چندین باره آیین‌نامه ارتقا، همچنان تمرکز اعضای هیئت علمی بر تولید و انتشار مقالات علمی قرار دارد. بدین منظور پیشنهادهایی در قالب بسته سیاستی به‌منظور اصلاح و بازنگری نظام ارتقا و پیشنهادهای اصلاحی مربوط به آیین‌نامه ارتقا جهت کارآمدسازی فعالیت‌های اعضای هیئت علمی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی و به‌طور کلی دانشگاه‌ها ارائه شده است. در همین زمینه و در ادامه گزارش اول، گام‌های زیر در گزارش حاضر برداشته شده است: گام اول: ارائه کلیات مربوط به گزارش اول در قالب مقدمه، گام دوم: بررسی الزامات کلان نظام ارتقا از طریق بررسی عناصر مرتبط با این نظام، گام سوم: بررسی مواد چهارگانه آیین‌نامه ارتقا و پیشنهادهای اصلاحی مربوط به هریک از مواد و گام چهارم: ارائه متن پیشنهادی به شورای عالی انقلاب فرهنگی جهت اصلاح آیین‌نامه ارتقا، ارائه متن پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی جهت اصلاح بند «ج» ماده (۱۲) قانون «حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» و

همچنین ارائه متن پیشنهادی به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری جهت اصلاح ماده (۱۹) آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی ارائه شده است.

ملاحظات و الزامات مربوط به عناصر نظام ارتقای اعضای هیئت علمی

از آنجایی که نظام ارتقای اعضای هیئت علمی شامل عناصر متعددی است، بنابراین تنها اصلاح و بازنگری آیین‌نامه ارتقا نمی‌تواند آنچنان که باید موجب کارآمدسازی دانشگاه‌ها و نظام آموزش عالی در راستای پاسخ به نیازها و اولویت‌های جامعه باشد. از این رو علاوه بر آیین‌نامه ارتقا، شایسته است که سایر عناصر این نظام نیز حول محور کارآمدسازی مورد بازنگری قرار گیرند تا با توجه به هدف تعیین شده، نظامی یکپارچه تشکیل شود تا اکوسیستم/زیست‌بوم مربوط به نظام ارتقای اعضای هیئت علمی شکل گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد اقدامات زیر جهت شکل‌گیری نظام ارتقا متناسب با زیست‌بوم آموزش عالی کشور و سایر زیست‌بوم‌های مرتبط با این حوزه ضروری باشد.

الف) مشخص کردن مأموریت‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی

با توجه به وجود دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی متعدد اعم از دولتی (سراسری، پیام نور، علمی - کاربردی)، غیردولتی (دانشگاه آزاد اسلامی و مؤسسات غیرانتفاعی)، سازمانی (فرهنگیان، وابسته به نیروهای مسلح) و همچنین مؤسسات پژوهشی متنوع در نظام آموزش عالی و تحقیقات کشور و همپوشانی‌های قابل توجه چه در اسناد مربوط به تأسیس و نحوه فعالیت و چه در عملکرد قابل مشاهده، به نظر می‌رسد نیاز به یک بازآرایی در اهداف و مأموریت‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی با توجه به سیاست‌های آمایش آموزش عالی وجود دارد.



ب) در نظر گرفتن تنوع دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها، مؤسسات پژوهشی و گروه‌ها از نظر مأموریت، نوع آموزش و پژوهش و خروجی‌ها

یکی از مهم‌ترین نکات در بررسی آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی، یکسان بودن آیین‌نامه ارتقا برای تمامی اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌ها و مؤسسات مختلف آموزشی و پژوهشی است. بدیهی است هریک از مؤسسات فوق دارای مأموریت‌هایی هستند که متفاوت از دیگری است، از سوی دیگر شیوه آموزش، پژوهش و خروجی‌ها در سطوح مختلف می‌تواند متفاوت از سایر گروه‌ها، دانشکده‌ها، مؤسسات پژوهشی یا حتی دانشگاه‌ها باشد. تفاوت عملکرد و خروجی دانشگاه هنر با دانشگاه‌های صنعتی می‌تواند مثال روشنی در این باره باشد. در همین زمینه باید یادآور شد که دانشگاه‌های مختلف مأموریت‌های متنوعی نیز دارند، مأموریت دانشگاه فنی و حرفه‌ای یا دانشگاه فرهنگیان متفاوت از دانشگاه‌های جامع است.

ج) شناسایی نیازها و تقاضاهای جامعه و صنعت و ظرفیت دانشگاه‌ها

از اقدامات دیگری که به نظر می‌رسد قبل از اصلاح و بازنگری آیین‌نامه ارتقا مورد نیاز باشد، شناسایی نیازها و تقاضای جامعه و صنعت که از سوی دانشگاه‌ها (از طریق تربیت نیروی انسانی یا انجام پژوهش) قابل انجام بوده و همچنین آگاهی مراکز صنعتی، خدماتی و کشاورزی از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دانشگاه‌ها در رفع نیازهای آنان است.

د) طراحی و تقویت سازوکار پیوند نیازها و تقاضاهای جامعه و صنعت با آموزش

و پژوهش دانشگاهی

پرواضح است در صورتی که سازوکاری برای پیوند فعالیت‌های دانشگاهی با نیازها، اولویت‌ها و تقاضاهای بخش‌های مختلف جامعه صورت نگیرد، هرچند آیین‌نامه نیز بر این

مهم تأکید نماید، اما در عمل نتایج مثبتی از فعالیت‌های اعضای هیئت علمی را نمی‌توان توقع داشت. بنابراین به نظر می‌رسد طراحی اقدامی جهت پیوند میان نیازهای جامعه با فعالیت‌های دانشگاهی اقدامی اولیه و اساسی است. در این زمینه در سامانه‌های متنوعی همچون «ساتع»^۱، «ساعت»^۲، «توانیران»^۳ و اخیراً «نان»^۴ طراحی شده است، شاید نتوان درباره سامانه «نان» به دلیل گذشت مدت زمان اندک از راه‌اندازی آن اظهار نظر دقیقی نمود، اما سایر سامانه‌ها آن گونه که باید موفق نبوده‌اند، دلایل این عدم توفیق را می‌توان در نوع تأمین مالی دانشگاه‌ها (به‌خصوص دانشگاه‌های دولتی)، عدم اطلاع کافی و دقیق جامعه (صنعت، خدمات، کشاورزی) و پژوهشگران از کارکردها و مزایای این سامانه‌ها و همچنین تعدد آنها که موجب سردرگمی کنشگران این حوزه می‌شود، برشمرد. بنابراین نیاز به تقویت این سازوکار به‌گونه‌ای که منجر به از بین رفتن موانع فوق شده و علاوه بر آن انگیزه‌های کنشگران دانشگاه و صنعت را بدین منظور افزایش دهد احساس می‌شود. اما در حوزه آموزش، اغلب آموزش‌های دانشگاهی بدون در نظر گرفتن نیازهای جامعه و صنعت طراحی و ارائه می‌شوند، بنابراین ایجاد سازوکاری برای آگاهی از نیازهای دانشی و مهارتی که آنها از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها انتظار دارند، ضروری به نظر می‌رسد.

ه) تحول در نظام تأمین مالی و تخصیص هزینه‌های پژوهشی

نحوه تأمین مالی، یکی از ابزارهای اصلی در هدایت فعالیت‌ها در هر سازمان یا نهادی است که آموزش عالی را نیز نمی‌توان از آن مستثنا دانست. از این رو و با توجه به تأمین مالی منابع آموزش عالی کشور از دو منبع اصلی بودجه عمومی دولت (برای دانشگاه‌های دولتی)

۱. سامانه اجرایی تقاضا و عرضه پژوهش و فناوری.

۲. سامانه عرضه و تقاضای پژوهشی.

۳. سامانه توانمندی‌ها و اعلام نیازهای ایران.

۴. نظام ایده‌ها و نیازها.



و شهریه‌های دانشجویی (اغلب برای دانشگاه‌های غیردولتی)، سهم اندکی را می‌توان به فعالیت‌های دانشگاهی در این زمینه قائل شد. به‌نظر می‌رسد ادامه وضعیت کنونی که در آن نقش خاصی برای اعضای هیئت علمی در تأمین مالی تعریف نشده نمی‌تواند منجر به کارآمدی بیشتر آنان گردد. بنابراین می‌بایست شرایطی فراهم شود که دانشگاه‌ها برای دستیابی به منابع مالی از تمام ظرفیت خود (که مهم‌ترین آنها منابع انسانی متخصص است) استفاده نمایند. کاهش حمایت‌های مالی مستقیم دولت و وابستگی بیشتر دانشگاه‌ها به سایر منابع مالی از طریق نقش‌آفرینی در حل مسائل و رفع نیازهای بخش‌های مختلف یکی از این راهکارهاست. به‌گونه‌ای که بخش قابل توجهی از بودجه دانشگاه‌ها در اختیار سایر دستگاه‌ها و بخش‌ها (صنعت، خدمات و کشاورزی) باشد و دانشگاه از طریق تربیت نیروی متخصص یا انجام پروژه‌های این بخش‌ها منابع مالی خود را تأمین نماید. از سوی دیگر اعطای وام‌های تحصیلی بلندمدت به دانشجویان به‌جای پرداخت هزینه سرانه دانشجو به دانشگاه‌ها می‌تواند راهکار دیگری باشد که منجر به افزایش رقابت از طریق ارتقای کیفیت به‌منظور جذب دانشجو و دستیابی به منابع مالی شود.

و) شکل‌گیری نظام ارزیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی

از ملزومات اصلی هر نظام ارتقا، قرار گرفتن آن در چارچوب نظام ارزیابی کلان آموزش عالی است. به بیان دیگر معیارها و چگونگی ارزیابی اعضای هیئت علمی به‌عنوان عنصری اساسی در نظام دانشگاهی که خود بر سایر عناصر اثرگذار است، باید در قالب و چارچوب نظام ارزیابی و اعتبارسنجی کلان آموزش عالی کشور قرار گیرد تا همسویی آن با اهداف کلان این حوزه به‌هنگام تدوین معیارها و فرایندها مدنظر قرار گرفته شود. به بیان دیگر نظام ارزیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت باید همانند چتری تمام عناصر و فرایندهای ارزیابی را ذیل خود قرار دهد.

ز) تعریف جایگاه‌های مرتبط با مرتبه‌های علمی

علاوه بر اینکه مرتبه‌های استادی، دانشیاری یا استادیاری هر کدام یک مرتبه علمی در نظام دانشگاهی محسوب می‌شوند، اما باید خاطرنشان نمود این مرتبه‌ها دارای شأن و اعتبار اجتماعی و فرهنگی نیز هستند. بدین منظور شایسته است که ویژگی‌های این جایگاه‌ها مشخص شود تا متناسب‌ترین افراد در آن قرار گیرند. به‌عنوان مثال جایگاه استادی می‌تواند شامل ویژگی‌هایی نظیر شناخته شدن یا برجستگی علمی در سطح بین‌المللی و مرجع بودن فرد دارای این جایگاه در حوزه تخصصی باشد. یا برای جایگاه دانشیاری شناخته شدن در سطح ملی مانند تأثیرگذاری در حل مسائل اساسی حوزه تخصصی در سطح ملی. این مهم می‌تواند برای جایگاه استادیاری برجستگی علمی در سطح محلی - منطقه‌ای مانند تأثیرگذاری در حل مسائل و معضلات مرتبط با حوزه تخصصی فرد در سطح منطقه‌ای باشد.

ح) محدودتر نمودن جایگاه‌های استادی و دانشیاری

براساس آخرین آمار منتشر شده از سوی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی که مربوط به سال تحصیلی ۱۴۰۰ - ۱۳۹۹ است، تعداد اعضای هیئت علمی شاغل تمام‌وقت در دانشگاه‌های مختلف کشور ۸۶۸۸۹ نفر می‌باشند که از این تعداد حدود ۵۰ درصد یعنی ۴۴۰۳۷ نفر در جایگاه استادیاری قرار دارند. با در نظر گرفتن وضعیت موجود نظام ارتقا، بخش اعظم این افراد قصد ارتقا به مرتبه‌های علمی بالاتر را دارند، چراکه سازوکار موجود هیچ‌گونه محدودیتی را از این نظر وضع نکرده است. مطالعات تطبیقی در این خصوص نشان می‌دهد کرسی‌های مرتبه‌های علمی به‌ویژه در مرتبه استادی بسیار محدود بوده و تنها افراد معدودی که ویژگی‌های منحصر به فردی داشته باشند، در آن جایگاه قرار می‌گیرند. از این رو به‌منظور پیشگیری از برعکس شدن هرم اعضای هیئت علمی پیشنهاد می‌شود محدودیت‌هایی در این زمینه ایجاد شود.



ط) تعیین ملاک‌ها و معیارهای متناسب برای جذب اعضای هیئت علمی

همسویی قوانین و آیین‌نامه‌ها در یک حوزه می‌تواند منجر به مشخص شدن بیشتر اهداف و مأموریت‌ها گردد. بنابراین به‌نظر می‌رسد معیارهای مورد استفاده در مراحل جذب و ارتقای اعضای هیئت علمی با توجه به عملکرد مورد انتظار از اعضای هیئت علمی باید متناسب‌سازی شود. بنابراین علاوه بر آیین‌نامه ارتقا، در جهت کارآمدتر شدن این نظام بهتر است تا معیارهای مورد استفاده برای جذب اعضای هیئت علمی نیز تغییر یابد.

ی) اصلاح آیین‌نامه ترفیع متناسب با آیین‌نامه ارتقا

هم‌راستایی آیین‌نامه‌های ترفیع و ارتقای مرتبه علمی نیز از دیگر مواردی است که باید در نظر گرفته شود. هر دو آیین‌نامه فوق با هدف ارزیابی اعضای هیئت علمی تدوین و تصویب می‌شوند و نتیجه آن نیز می‌تواند منجر به بهره‌مندی عضو هیئت علمی از مزایای مادی و معنوی آن گردد. به‌منظور یکپارچه‌سازی ارزیابی و دستیابی به اهدافی مانند مسئله‌محوری در فعالیتهای دانشگاهی، آیین‌نامه ترفیع دانشگاه‌ها نیز همسو با آیین‌نامه ارتقا باید مورد بازنگری قرار گرفته و با آن همسو شود. همچنین با توجه به تدوین آیین‌نامه ترفیع توسط دانشگاه‌ها، این امکان وجود دارد تا دانشگاه‌ها با توجه به مأموریت‌ها، نیازها و اولویت‌های خود آن را دستخوش تغییراتی نمایند.

پیشنهاد‌های اصلاح آیین‌نامه ارتقا

همان‌طور که در ابتدای گزارش اشاره شد، به‌منظور اصلاح نظام ارتقا و دستیابی به نظامی کارآمد و البته در راستای اهداف و مأموریت‌های نظام آموزش عالی، نیازها و اولویت‌های کشور و همچنین نقش‌آفرینی دانشگاه و اعضای هیئت علمی در اداره کشور نیاز است که

علاوه بر آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی سایر نظامات مرتبط به آن نیز مورد بازنگری یا اصلاح قرار گیرد. از این‌رو پیشنهادهای فوق مطرح شد. اما در شرایطی که امکان تغییر موارد فوق در کوتاه‌مدت فراهم نباشد، می‌توان با اصلاحاتی در آیین‌نامه موجود، آن را به سوی بهینه‌سازی هرچه بیشتر سوق داد. از این‌رو پیشنهادهای اصلاحی پس از توصیفاتی درباره مواد آیین‌نامه ارتقاء مطرح می‌شود.

آیین‌نامه کنونی ارتقای اعضای هیئت علمی دارای چهار ماده اساسی است:

ماده (۱) - فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی؛ **ماده (۲) -** فعالیت‌های آموزشی؛

ماده (۳) - فعالیت‌های پژوهشی و فناوری؛ **ماده (۴) -** فعالیت‌های علمی، اجرایی.

منظور از **فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی**؛ مجموعه فعالیت‌های اعضای

هیئت علمی است که مؤید آمیختگی علم و اخلاق اسلامی و مبتنی بر تقویت و ترویج باورهای اعتقادی، مذهبی و ملی و مطابق با قانون اساسی و ارزش‌های انقلاب اسلامی

است. **فعالیت‌های آموزشی** مجموعه‌ای از فعالیت‌های اعضای هیئت علمی است که

به منظور آموزش و تربیت دانشجویان و معطوف به حفظ و ارتقای کیفیت آموزش و انتقال

مطلوب مفاهیم است. **فعالیت‌های پژوهشی، فناوری** عبارت است از: مجموعه‌ای از

فعالیت‌های عضو هیئت علمی که ضمن هدفمند بودن، قابلیت کشف و توسعه حقایق و

به‌کارگیری یافته‌های علمی را دارد و با هدف رفع نیاز جامعه، توسعه مرزهای دانش و

بسط فناوری‌های برخوردار از اولویت در کشور است. **فعالیت‌های علمی، اجرایی** نیز

مجموعه‌ای از فعالیت‌های مبتنی بر مؤلفه‌های علم، دانش، پژوهش و فناوری است که هدف



آن تقویت مدیریت اجرایی و توسعه زیرساخت‌ها در حوزه‌های مرتبط است.^۱

الف) ماده (۱) - فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی

به‌طور کلی این ماده دارای ایرادات و آسیب‌هایی نظیر: مغفول ماندن موضوع شاگردپروری، سنجش‌پذیر نبودن برخی از معیارها و دشواری امتیازدهی به آنها؛ متناسب نبودن ماهیت برخی فعالیت‌ها مانند تدوین کتاب و مقاله با موضوع این ماده؛ کم‌توجهی به شأن تربیتی و اجتماعی در مقایسه با شأن فرهنگی است.^۲ از سوی دیگر نوع نگرش موجود به فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی که آن را جدا از کارکرد و فعالیت‌های اصلی دانشگاه یعنی آموزش و پژوهش در نظر گرفته است، چندان قابل توجیه به‌نظر نمی‌رسد. استمرار وضعیت موجود می‌تواند موجب تثبیت این تلقی شود که فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی در سایر فعالیت‌ها ارزشمند نیست و این مهم می‌تواند آسیب‌های غیرقابل جبرانی در فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در پی داشته باشد. از این رو پیشنهاد می‌شود این دسته از معیارها نیز در فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و فناوری ادغام شده و شیوه ارزیابی آن نیز بر مبنای نظرات دانشجویان، فارغ‌التحصیلان و سایر کارکنان دانشکده/دانشگاه باشد. در همین زمینه پیشنهاد زیر به‌صورت دقیق‌تر مطرح می‌شود:

۱ - الف) ادغام ماده (۱) در مواد (۲) و (۳): همان‌گونه که در بالا اشاره شد با توجه به پیوند عمیق و جدا نشدنی فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی از سایر فعالیت‌های اعضای هیئت علمی در دانشگاه، پیشنهاد می‌شود این ماده در مواد (۲) (فعالیت‌های

۱. آیین‌نامه ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی آموزشی و پژوهشی و فناوری مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۲. برگرفته از گزارش: الزامات کارآمدسازی نظام ارتقای اعضای هیئت علمی، مرکز پژوهش‌های مجلس، تیرماه ۱۴۰۰، شماره مسلسل: ۱۷۵۹۹.

آموزشی) و (۳) (فعالیت‌های پژوهشی، فناوری) ادغام شود، ولی کسب حداقل امتیاز از بندهای مربوط به این فعالیت‌ها همچنان الزامی باشد. به بیان دیگر بندهای مربوط به فعالیت‌های فرهنگی - تربیتی که در مواد آموزشی و پژوهشی گنجانده می‌شود، باید دارای حداقل امتیاز باشند و معیارهای مورد استفاده در این ماده به گونه‌ای باید باشد که تمرکز آن بر بررسی اثرات فعالیت‌های آنان باشد.

۲- الف) تغییر شیوه ارزیابی: همان گونه که در تعریف این دسته از فعالیت‌ها اشاره شده، جنس این دسته از فعالیت‌ها تفاوت قابل ملاحظه‌ای با سایر فعالیت‌ها دارد و به نظر می‌رسد انتظار از آن، تأثیراتی است که اعضای هیئت علمی در تربیت دانشجویان مطابق با ارزش‌های دینی، فرهنگی، ملی و اجتماعی دارند، باشد. از این رو بهتر است در ارزیابی از این فعالیت‌ها نیز به دنبال ارزیابی اثرات فعالیت اعضای هیئت علمی بر دانشجویان بود. به منظور تحقق این مهم، به نظر می‌رسد استفاده از نظرات دانشجویان، فارغ‌التحصیلان، همکاران و سایر کارکنان دانشکده/دانشگاه قالب فرم‌های ارزیابی از عملکرد (رفتار) فرهنگی - تربیتی و اجتماعی (نظیر نحوه تعامل با دانشجویان، فارغ‌التحصیلان، کارکنان و همکاران؛ در نظر گرفتن اصول اخلاق اسلامی در ارتباط با دانشجویان، فارغ‌التحصیلان، کارکنان و همکاران و معیارهایی از این قبیل) می‌تواند منجر به دستیابی به اهداف تعیین شده شود.

۳- الف) توجه ویژه به امر شاگردپروری: از آنجایی که دانشجویان به عنوان ذی‌نفعان اصلی نظام آموزش عالی هستند، می‌بایست تمرکز فعالیت‌های دانشگاهی نیز معطوف به این قشر باشد. با در نظر گرفتن این پیش‌فرض، نقش اعضای هیئت علمی در توجه به دانشجویان در قالب فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی یا سایر فعالیت‌های جنبی قابل ملاحظه خواهد بود. در همین زمینه توجه به مفهوم «شاگردپروری» که توسط مقام معظم



رهبری اشاره شده می‌تواند راهگشا باشد. از نظر ایشان «شاگرد فقط آن کسی نیست که سرکلاس حاضر می‌شود، آنی است که به‌وسیله شما (اساتید) ساخته می‌شود و تحویل داده می‌شود به دنیای علم به‌عنوان یک نیروی کارآمد و علمی»^۱. بنابراین شایسته است که تمامی فعالیت‌های دانشگاهی اعضای هیئت علمی با در نظر گرفتن این اصل مهم طراحی و ارزشگذاری شوند. بدین منظور می‌توان از معیارهایی نظیر «اختصاص زمان مناسب و کافی برای ارتباط و تعامل با دانشجویان در محیط کلاس و خارج از آن»، «شناسایی نخبگان» و «تقویت روحیه تفکر، پرسشگری، خلاقیت و نوآوری در دانشجویان» نیز استفاده نمود.

ب) ماده (۲) - فعالیت‌های آموزشی

با بررسی آیین‌نامه‌های ارتقای اعضای هیئت علمی طی دوره‌های مختلف، به‌طور کلی می‌توان گفت وزن فعالیت‌های آموزشی در مقایسه با فعالیت‌های پژوهشی تنزل یافته و آیین‌نامه به‌گونه‌ای تدوین شده است که فعالیت‌های مورد انتظار بیشتر از جنس پژوهشی است. البته ایراداتی نیز به ماده آموزشی آیین‌نامه موجود، وارد می‌باشد که مهم‌ترین آنها عبارت است از: ضعف تنوع در منابع ارزیابی و ناکارآمدی ابزارهای ارزیابی از کیفیت تدریس. همچنین آیین‌نامه ارتقای ظرفیت ارزیابی فعالیت‌های مختلفی از اعضای هیئت علمی را در قالب فعالیت‌های آموزشی دارد، اما در این زمینه غفلت نموده است. از این رو می‌توان معیارهای دیگری که ماهیت آموزشی دارند را نیز به فعالیت‌های موجود پیشنهاد کرد:

۱- ب) توجه ویژه به ارزیابی کیفیت آموزش مجازی

با توجه به همه‌گیری ویروس کرونا و تعلیق آموزش حضوری در دانشگاه‌ها و مجازی شدن آن، توجه به کیفیت آموزش مجازی به یکی از اولویت‌های اساسی نظام‌های آموزش عالی بدل گشته است. همچنین از آنجایی که در دوره همه‌گیری، این نوع از آموزش جایگاه خود را به دست آورده و انتظار می‌رود بعد از دوره همه‌گیری نیز همچنان مورد استقبال قرار گیرد، بنابراین شایسته است آموزش مجازی و استفاده از معیارهایی در خصوص ارتقای کیفیت آن توسط اعضای هیئت علمی در آیین‌نامه مورد توجه قرار گیرد.

۲- ب) افزایش تنوع منابع ارزیابی‌کننده کیفیت آموزشی: به منظور ارتقای اعتبار ارزیابی کیفیت تدریس اعضای هیئت علمی، علاوه بر دانشجویان که به‌عنوان مهم‌ترین رکن در این زمینه شناخته می‌شوند، می‌توان از فارغ‌التحصیلان ممتاز - به‌خصوص آن دسته از فارغ‌التحصیلانی که فرد متقاضی ارتقا استاد راهنمای آنان بوده - نیز درباره عملکرد آموزشی اعضای هیئت علمی سؤال نمود. از سوی دیگر ارزیابی همتایان و بررسی عملکرد تحصیلی دانشجویان در دروسی که یادگیری آنها وابسته به کیفیت آموزش دروس مقدماتی است از دیگر مواردی است که می‌تواند همه‌جانبه بودن ارزیابی را افزایش دهد.

۳- ب) در نظر گرفتن فعالیت‌هایی که ماهیت آموزشی دارند: اکتفا به معیارهایی مانند رعایت نظم و انضباط، کمیت و کیفیت تدریس و راهنمایی و سرپرستی پروژه کارشناسی نمی‌تواند منعکس‌کننده تمامی فعالیت‌های آموزشی اعضای هیئت علمی باشد و اصل جامعیت در این باره را خدشه‌دار می‌نماید. در همین زمینه فعالیت‌هایی هستند که ماهیت آموزشی داشته، اما ذیل این ماده مورد بررسی قرار نگرفته‌اند و یا به‌طور کلی از آنها غفلت شده است. این فعالیت‌ها شامل مواردی مانند: «راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه/



رساله»، «تولیدات علمی در زمینه آموزش»، «شهرت و اعتبار آموزشی»، «اثرگذاری آموزشی»، «نوآوری در آموزش و تدریس» و «اصلاح برنامه‌های درسی دانشگاهی» هستند. همچنین استفاده از معیاری همچون «برجستگی و اعتبار آموزشی» که با سنجه‌هایی نظیر «برگزیده شدن به‌عنوان استاد نمونه»، «تبدیل شدن تولیدات علمی استاد به‌عنوان مرجع درسی در آن رشته در سایر دانشگاه‌ها»، «تربیت فارغ‌التحصیلان برنده جوایز معتبر علمی» و مواردی از این قبیل قابل ارزیابی است نیز می‌تواند برخی از فعالیت‌هایی که به این مهم منجر می‌شود را پوشش دهد.

۴ - ب) توجه به کارآمدی فعالیت‌های آموزشی از طریق افزودن معیارهای مسئله‌محور در این خصوص: با توجه به نقدهای موجود درخصوص ضعف آیین‌نامه ارتقا در جهت‌دهی فعالیت‌های اعضای هیئت علمی برای حل مسائل، نیازها و اولویت‌های کشور، می‌توان برخی از معیارها را بدین منظور مطرح نمود، مانند: نوآوری در روش‌های تدریس به‌منظور آماده کردن دانشجویان جهت مواجهه با مسائل و نیازهای روز حوزه تخصصی، تهیه طرح درس با تأکید بر مهارت‌محوری و کاربردی‌سازی آموزش‌های دانشگاهی، کمک به تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی که در جهت حل مسائل کشور تدوین می‌شود.

۵ - ب) توجه به مؤلفه مهارت‌آموزی در آموزش‌های دانشگاهی: یکی از بزرگ‌ترین معضلات نظام دانشگاهی، عدم استقبال جامعه و بازار کار از نیروی متخصص تربیت شده در دانشگاه یا بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است. به بیان دیگر معمولاً توانایی‌ها و مهارت‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهی پاسخگوی نیازهای بازار کار نیست. از این‌رو صنایع و خدمات در بسیاری موارد، آموزش‌هایی را برای متقاضیان کار، قبل و حین خدمت در

نظر می‌گیرند. یکی از دلایل این مهم کم‌توجهی دانشگاه‌ها به مهارت‌آموزی دانشجویان در حوزه‌های تخصصی است. از این‌رو از معیارهایی که می‌توان در ارزیابی عملکرد آموزشی اعضای هیئت علمی مورد توجه قرار داد، میزان آموزش مهارت‌های مرتبط با حوزه تخصصی به دانشجویان است.

ج) ماده (۳) - فعالیت‌های پژوهشی فناوری

با در نظر گرفتن میزان امتیازهای قابل کسب از ماده (۳) آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی و توجه ویژه هیئت‌های ممیزه به آن، می‌توان آن را مهم‌ترین ماده آیین‌نامه حاضر قلمداد کرد. هرچند که فعالیت‌های مختلفی در این ماده گنجانده شده است. اما بررسی‌ها و مشاهدات نشان می‌دهد که تمرکز اعضای هیئت ممیزه دانشگاه‌ها به هنگام ارزیابی و همچنین اعضای هیئت علمی در فعالیت‌های خود بر کسب امتیاز از بند اول این ماده (مقاله علمی - پژوهشی) است. به‌طور کلی آسیب‌های این ماده را می‌توان در موارد زیر قلمداد کرد؛ نظیر: عدم توازن در ارزشگذاری فعالیت‌ها و خلاصه شدن وزن ماده پژوهشی به بند مربوط به مقالات علمی - پژوهشی؛ عدم اختصاص حداقل امتیاز به بندهای مربوط به «تولید دانش فنی/ اختراع و اکتشاف» و «گزارش‌های علمی طرح‌های پژوهشی و فناوری» که قابلیت بیشتری جهت مسئله‌محوری و نیازمحوری دارند و مشترک بودن حداقل امتیاز بندهای «۸»، «۹»، «۱۰»، «۱۲» و «۱۴» ماده پژوهشی با بند «۱» (مقالات علمی - پژوهشی) که در عمل موجب بی‌اهمیت شدن کسب امتیاز از بندهای پنج‌گانه فوق (به‌خصوص بندهای «۸» و «۹» که می‌توانند مسئله‌محوری فعالیت‌ها را تقویت نمایند) می‌شود. به‌منظور بهبود وضعیت موجود و کارآمدی بیشتر آیین‌نامه در سوق دادن اعضای



هیئت علمی به مشارکت در حل مسائل و رفع نیازهای جامعه موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱ - ج) تعریف «حداکثر امتیاز در موضوع» برای بند «۱» (مقالات علمی -

پژوهشی): از این طریق می‌توان اعضای هیئت علمی را علاوه بر انتشار مقاله به انجام سایر فعالیت‌های تعریف شده در این ماده سوق داد. حداکثر امتیاز قابل کسب از این بند بهتر است کمتر از نیمی از حداقل امتیاز مورد نیاز از ماده (۳) برای ارتقا به مرتبه بالاتر باشد تا الزام به انجام سایر فعالیت‌ها برای دستیابی به حداقل امتیاز از این ماده فراهم گردد.

۲ - ج) تأکید بر بررسی میزان اثرگذاری فعالیت‌ها در فرایند ارزیابی: یکی از

معیارهای اساسی دانشگاه‌های تراز اول در بررسی عملکرد فرد، توجه به میزان اثرگذاری فعالیت‌ها (آموزشی، پژوهشی، فناوری و...) است. این شاخص قابلیت استفاده در بررسی تمامی فعالیت‌های عضو هیئت علمی را دارد. اما با توجه به خروجی‌های ملموس از فعالیت‌های پژوهشی، فناوری، در این ماده قابلیت کاربرد بیشتری دارد. این بدین معناست که انتظار می‌رود تولیدات علمی فرد متقاضی ارتقا در جامعه (صنعت، خدمات و...) اثرگذار باشد. بدین منظور می‌توان از عضو هیئت علمی خواست که آثار اثرگذار خود را در دوره ارتقا معرفی نماید. اثرگذاری نیز می‌تواند از جنبه‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد. مانند اثرگذاری علمی که به میزان استفاده از یک اثر علمی در مجامع علمی و حتی غیرعلمی، ارجاعات قابل ملاحظه، تبدیل شدن به کتاب درسی در دانشگاه‌های مختلف و... یا اثرگذاری در حل مسائل مانند مورد استناد قرار گرفتن جهت اتخاذ تصمیم یا سیاست توسط افراد یا نهادهای تصمیم‌گیر، مورد استفاده قرار گرفتن توسط بخش‌های مختلف مانند صنعت، خدمات کشاورزی به‌منظور روشی برای بهبود تولید یا خدمات و....

۳ - ج) جدا نمودن فعالیت‌های فناورانه و کاربردمحور از ماده (۳): با توجه به گسترش فناوری در شئون مختلف زندگی انسان و لزوم توجه بیشتر اعضای هیئت علمی به این مهم، نیاز است تا اعضای هیئت علمی در حوزه‌های خود با توجه به ماهیت رشته، فعالیت‌های فناورانه و کاربرد محور را با جدیت بیشتری انجام دهند. از این رو با در نظر گرفتن اقتضای هر رشته انتظار می‌رود اعضای هیئت علمی فعالیت فناورانه و کاربردمحور داشته باشند. بدین ترتیب عنوان ماده (۳) به «فعالیت‌های پژوهشی» تغییر می‌یابد و ماده جدیدی (ماده (۴)) تحت عنوان «فعالیت‌های فناورانه و کاربردمحور» ایجاد می‌شود. این ماده می‌تواند هم شامل فعالیت‌هایی از جنس بند «۸» ماده (۳) آیین‌نامه حاضر (که هم تولید دانش فنی و هم اختراع یا اکتشاف منجر به تولید و تجاری‌سازی محصول یا فرایند) باشد و هم فعالیت‌هایی نظیر «طرح‌های خلاقانه و نوآورانه در قالب اختراع ثبت شده»^۱ یا «خروجی‌های پژوهشی کاربردی (در قالب اختراع، اکتشاف و...)» با تأیید مراجع ذی‌صلاح» یا «فروش دانش فنی». همچنین می‌توان با قرار دادن «حداقل امتیاز لازم در هر دوره ارتقا» برای این ماده (به میزان نصف حداقل امتیاز لازم از ماده (۳) آیین‌نامه موجود)، الزام بیشتری جهت انجام فعالیت در این زمینه ایجاد نمود.

در صورتی که فعالیت‌های فناورانه و کاربردمحور از موضوع ماده (۳) جدا نشود، نیاز است تا حداقل امتیاز مربوط به بندهای «۸» و «۹» ماده پژوهشی از بند «۱» تفکیک شده و حداقل امتیاز جداگانه‌ای برای آنها در نظر گرفته شود.

۴ - ج) تعریف خروجی‌های مرتبط با سیاست‌گذاری و قانونگذاری: با توجه به تأثیر قابل توجه علم در عرصه‌های مختلف نظام اداره کشورها و همچنین نیاز مراجع و مراکز



سیاستگذاری، تصمیم‌گیری و قانونگذاری به مشارکت بیشتر نخبگان و خبرگان علمی (به‌ویژه حوزه علوم انسانی) در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و در راستای تنوع‌بخشی به فعالیت‌های پژوهشی اعضای هیئت علمی، به‌نظر می‌رسد با تعریف معیاری در این خصوص می‌توان زمینه فعالیت اعضای هیئت علمی حوزه‌های مربوط به علوم انسانی که علاقمند به اثرگذاری در این بُعد هستند را فراهم نمود. بدین ترتیب خروجی‌هایی مانند «تهیه پیش‌نویس طرح قانونی»، «طراحی بسته سیاستی»، «تدوین آیین‌نامه یا دستورالعمل» و مواردی از این قبیل می‌تواند امتیاز قابل توجهی را به‌خود اختصاص دهد تا منجر به ایجاد انگیزه در اعضای هیئت علمی شود.

د) ماده (۴) - فعالیت‌های علمی - اجرایی

ماده (۴) آیین‌نامه ارتقا به موضوعات متنوع و مختلفی در ۱۸ بند پرداخته است که (طبق آیین‌نامه) از اعضای هیئت علمی نیز انتظار می‌رود حداقل ۱۰ امتیاز را از این فعالیت‌ها کسب نمایند. شاید تنوع بالای فعالیت‌های اشاره شده در این ماده را بتوان به‌عنوان یکی از نقاط قوت آن بیان کرد، اما امتیازات اختصاص داده شده به این فعالیت‌ها در برخی موارد آنچنان ناچیز است که انگیزه‌ای برای افراد به‌وجود نمی‌آورد. به‌عنوان مثال فعالیت‌هایی مانند «ایجاد ظرفیت فعال در جذب دانشجویان خارجی با تأیید رئیس مؤسسه» به‌ازای هر ۱۰ دانشجوی جذب شده تنها یک امتیاز به عضو هیئت علمی می‌دهد. این در حالی است که جذب دانشجوی خارجی در وضعیت موجود کشور و نظام آموزش عالی می‌تواند پیامدهای مثبتی از منظر اقتصادی (ارزآوری) و بین‌المللی شدن آموزش عالی در پی داشته باشد که در سطوح تحصیلات تکمیلی علاوه بر فراهم بودن شرایط گوناگون،

وابستگی قابل ملاحظه‌ای نیز به اعتبار علمی اعضای هیئت علمی دارد. بنابراین اختصاص یک امتیاز برای جذب ۱۰ دانشجو بسیار نامتناسب به نظر می‌رسد. در همین زمینه بررسی تعداد دانشجویان خارجی مشغول به تحصیل در کشور خود گویای میزان دشواری و البته اهمیت این موضوع است. به طوری که با وجود بیش از ۲۵۰۰ واحد دانشگاهی، مجموع دانشجویان بین‌المللی شاغل به تحصیل در کشور حدود ۵۰ هزار نفر (با احتساب جامعه المصطفی) می‌باشد. نکته دیگری که درباره این دسته از فعالیت‌ها مطرح است، میزان اثرگذاری عضو هیئت علمی بر عموم جامعه است. به بیان دیگر یکی از موارد مغفول در این ماده کم‌توجهی به عمومی‌سازی علم می‌باشد که منظور از آن بیان ساده‌تر مباحث علمی مرتبط از طرق مختلف به مردم عادی است.

۱-۵) متناسب‌سازی امتیازها با فعالیت‌های مورد انتظار: برخی از فعالیت‌های مندرج در ماده (۴) به دلیل پیچیدگی و طولانی بودن فرایند اجرای آنها نیاز است تا امتیازات متناسب‌تری به آنها تعلق گیرد. به طور کلی می‌توان گفت بندهای «۱۱» تا «۱۸» شامل این اقدام می‌شوند. فعالیت‌هایی از قبیل ایجاد رشته‌های جدید، راهبری پروژه‌های بزرگ تحقیقاتی، طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌ها و فعالیت با هدف افزایش کارایی و اثربخشی نظام آموزش عالی، تدوین کتاب به شیوه گردآوری، ایجاد ظرفیت فعال در جذب دانشجویان خارجی و... فعالیت‌هایی هستند که اغلب بیش از یک مقاله علمی - پژوهشی نیاز به اختصاص زمان، هزینه و... دارد. از این رو با توجه به ماهیت فعالیت‌های علمی - اجرایی که هدف آن تقویت مدیریت اجرایی و توسعه زیرساخت‌ها بوده و خود می‌تواند به گسترش فعالیت‌های علمی در سطح جامعه نیز منجر شود، می‌توان امتیازهای این دسته از فعالیت‌ها را مورد بازنگری قرار داد و متناسب با ماهیت فعالیت‌ها امتیازات آنها را افزایش داد.



۲ - د) توجه به مقوله عمومی سازی علم در جامعه: عمومی سازی علم در جامعه در حوزه تخصصی هر عضو هیئت علمی موضوعی است که می تواند جایگاه ویژه ای میان فعالیت های علمی - اجرایی داشته باشد، چراکه یکی از وظایف ذاتی هر عضو هیئت علمی گسترش علم به زبان ساده در جامعه است. از این منظر فعالیت هایی مانند سخنرانی، تهیه یادداشت حضور در رسانه ملی، برنامه های رادیویی و تلویزیونی در راستای ارتقای فهم عمومی در خصوص موضوعات و مسائل علمی و... در حوزه تخصصی و با زبانی ساده و برای عموم جامعه می تواند بدین منظور در نظر گرفته شود.

جمع بندی و پیشنهادها

اصلاح نظام ارتقای اعضای هیئت علمی بدون توجه به تمامی عناصر آن مؤثر نخواهد بود. بنابراین لازم است اقداماتی در خصوص شکل گیری نظام ارتقا متناسب با زیست بوم آموزش عالی کشور مانند مشخص کردن مأموریت های دانشگاه ها، در نظر گرفتن تنوع دانشگاه ها، تحول در نظام تأمین مالی و تخصیص هزینه های پژوهشی، شکل گیری نظام ارزیابی، اعتبارسنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی و... صورت گیرد. همچنین در خصوص اصلاح آیین نامه ارتقا نیز موارد متعددی مطرح شد که مهم ترین آنها به تفکیک مواد چهارگانه ماده (۱) - فرهنگی، تربیتی و اجتماعی؛ ماده (۲) - آموزشی؛ ماده (۳) - پژوهشی، فناوری و ماده (۴) - علمی - اجرایی از قرار ذیل است:

- ماده (۱) - ادغام ماده (۱) در مواد (۲) و (۳) آیین نامه و تغییر شیوه ارزیابی فعالیت های مرتبط با این ماده.

- ماده (۲) - توجه ویژه به ارزیابی کیفیت آموزش مجاز.

- ماده (۳) - تعریف «حداکثر امتیاز در موضوع» برای بند «۱» (مقالات علمی - پژوهشی) و جدا نمودن فعالیت‌های فناورانه و کاربردمحور از موضوع ماده (۳) و تعریف «حداقل امتیاز در موضوع» برای آن.

- ماده (۴) - توجه به مقوله عمومی‌سازی علم در جامعه.

با توجه به سطح ورود نهادهای مختلف به آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی موارد پیشنهادی اصلاحی مربوط در سه سطح قابل ارائه است:

الف) متن پیشنهادی به شورای عالی انقلاب فرهنگی

در راستای اصلاح آیین‌نامه ارتقاء، موارد زیر به شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد می‌شود:

ماده (۱) - فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی

- ادغام ماده (۱) در مواد (۲) و (۳): بر این اساس پیشنهاد می‌شود ماده فرهنگی، تربیتی و اجتماعی در مواد آموزشی و پژوهشی، فناوری با حفظ «کسب حداقل امتیاز» از این فعالیت‌ها ادغام شود. همچنین پیشنهاد می‌شود تمرکز فعالیت‌ها بر ارزیابی اثرات فعالیت‌های اعضای هیئت علمی باشد.

- استفاده از معیارهای مربوط به شاگردپروری: پیشنهاد می‌شود در قالب فرم‌های ارزیابی که توسط دانشجویان و فارغ‌التحصیلان فرد متقاضی ارتقا تکمیل می‌شود، معیارهایی مانند اختصاص زمان کافی در کلاس و خارج از آن، در دسترس بودن، تعامل و ارتباط در فرایندهای آموزشی و پژوهشی، شناسایی و کمک به پرورش استعداد دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد.

ماده (۲) - فعالیت‌های آموزشی

- کیفیت آموزش (مجازی): پیشنهاد می‌شود با توجه به گسترش آموزش مجازی در دوره



همه‌گیری کرونا، معیارهای مشخصی به‌منظور ارزیابی کیفیت آموزش مجازی توسط اعضای هیئت علمی طراحی و در بند مربوط به کیفیت آموزش و فرم‌های ارزیابی دانشجویان اضافه شود. این معیارها می‌تواند شامل تهیه محتوای آموزش مجازی، استفاده از منابع به‌روز، نحوه ارزیابی، توانایی استفاده از ابزارهای مختلف در بستر آموزش مجازی و معیارهایی مانند این باشد.

- افزایش تنوع منابع ارزیابی‌کننده کیفیت آموزشی: پیشنهاد می‌شود به‌منظور ارتقای اعتبار ارزیابی کیفیت آموزشی، علاوه بر دانشجویان، فارغ‌التحصیلان - به‌خصوص فارغ‌التحصیلان ممتاز - و هم‌تایان اعضای هیئت علمی نیز کیفیت آموزشی وی را مورد ارزیابی قرار دهند.

- اضافه نمودن سایر معیارهای مرتبط با فعالیت‌های آموزشی: پیشنهاد می‌شود به‌منظور متنوع‌تر شدن فعالیت‌های این ماده، آن دسته از فعالیت‌هایی که ماهیت آنها مربوط به فعالیت‌های آموزشی است، اما در این ماده جای ندارند در قالب بندهایی به این ماده افزوده شود، مانند: «راهنمایی و مشاوره پایان‌نامه/رساله»، «تولیدات علمی در زمینه آموزش»، «شهرت و اعتبار آموزشی»، «اثرگذاری آموزشی»، «نوآوری در آموزش و تدریس» و «اصلاح برنامه‌های درسی دانشگاهی».

- توجه به مسئله‌محوری در فعالیت‌های آموزشی: پیشنهاد می‌شود به‌منظور کارآمدسازی بیشتر فعالیت‌های آموزشی در راستای رفع مسائل، نیازها و اولویت‌های جامعه معیارهای زیر به ماده آموزشی افزوده شود: نوآوری در روش‌های تدریس به‌منظور آماده کردن دانشجویان جهت مواجهه با مسائل و نیازهای روز حوزه تخصصی، تهیه طرح درس با تأکید بر مهارت‌محوری و کاربردی‌سازی آموزش‌های دانشگاهی، کمک به تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی که در جهت حل مسائل کشور تدوین می‌شود.

- توجه به مؤلفه مهارت‌آموزی در آموزش‌های دانشگاهی: پیشنهاد می‌شود به‌منظور پاسخ به نیازهای بازار کار و افزایش توانایی‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاهی معیار مربوط به آموزش‌های مهارتی نیز گنجانده شود. در این زمینه یکی از شیوه‌ها همچنان استفاده از ظرفیت دانشجویان و فارغ‌التحصیلان است.

ماده (۳) - فعالیتهای پژوهشی، فناوری

- تعریف «حداکثر امتیاز در موضوع» برای بند «۱» (مقالات علمی - پژوهشی): پیشنهاد می‌شود نیمی از حداقل امتیاز لازم ماده (۳) به‌عنوان سقف امتیازات این بند قرار داده شود تا فضای پرداختن به سایر فعالیت‌ها نیز فراهم گردد.

- تأکید بر «اثرگذاری فعالیت‌ها»: پیشنهاد می‌شود به‌منظور ارتقای اثرگذاری فعالیت‌های پژوهشی فرد در جامعه، معیارهایی از قبیل: اثرگذاری علمی از طریق بررسی میزان استنادات، تبدیل شدن تألیفات متقاضی به‌عنوان مرجع و منبع درسی در دانشگاه‌ها، مورد استناد واقع شدن جهت اتخاذ تصمیمات در نهادهای سیاستگذار و تصمیم‌گیر و مورد استفاده قرار گرفتن توسط بخش‌های مختلف صنعت، خدمات و کشاورزی در بهبود روش‌ها، افزایش تولید و... به این ماده اضافه شود.

- جدا نمودن فعالیت‌های فناورانه و کاربردمحور از ماده (۳): پیشنهاد می‌شود فعالیت‌هایی نظیر «تولید دانش فنی»، «اختراع و اکتشاف»، «طرح‌های خلاقانه و نوآورانه در قالب اختراع ثبت شده» و مانند اینها در قالب ماده جدیدی (ماده (۴)) به آیین‌نامه اضافه شود. بنابراین عنوان ماده (۳) به «فعالیت‌های پژوهشی» تغییر یابد و ماده (۴) نیز با عنوان «فعالیت‌های فناورانه و کاربردمحور» با معیارهای فوق به آیین‌نامه اضافه شود.

- تعیین حداقل امتیاز برای بندهای «۸» و «۹»: در صورت عدم ایجاد ماده جدید (ماده (۴)) با موضوع فعالیت‌های فناورانه و کاربردمحور، نیاز است تا برای بندهای «۸» و «۹»



ماده (۳) به صورت تفکیک شده از بند «۱» «حداقل امتیاز» قرار داده شود.

ماده (۴) - فعالیت‌های علمی - اجرایی

- متناسب‌سازی امتیازات با فعالیت‌ها: پیشنهاد می‌شود به منظور ایجاد انگیزه بیشتر در اعضای هیئت علمی، امتیازهای بندهای «۱۱» تا «۱۸» این ماده مورد بازنگری قرار گرفته و متناسب با فعالیت‌های مورد انتظار افزایش یابند.

- اضافه نمودن بندی در رابطه با عمومی‌سازی علم در جامعه: پیشنهاد می‌شود به منظور گسترش هرچه بیشتر علم در جامعه، با در نظر گرفتن فعالیت‌هایی مانند سخنرانی برای عموم مردم، تهیه یادداشت برای رسانه‌ها، حضور در رسانه در حوزه تخصصی، بندی به این ماده اضافه شود.

ب) متن پیش‌نویس طرح برای ارائه به مجلس شورای اسلامی

یکی از مواد قانونی که درخصوص آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی (در رابطه با فعالیت‌های پژوهشی، فناوری) از سوی مجلس شورای اسلامی وضع شده، مربوط به بند «ج» ماده (۱۲) قانون «حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» می‌باشد، که به شرح زیر است:

ج) در صورتی که پایان‌نامه‌ها و رساله‌های تحصیلات تکمیلی و یا طرح‌ها (پروژه‌ها) و یا مقالات استخراجی اعضای هیئت علمی منجر به حل یکی از مسائل اساسی کشور شود، جایگزین امتیاز فعالیت‌های پژوهشی و فناوری مندرج در جدول ۶ آیین‌نامه جاری ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی و جداول مشابه در آیین‌نامه‌های بعدی تا سقف امتیازات مکتسبه خواهد شد. شیوه‌نامه اجرای این بند توسط وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و شورای عالی حوزه‌های علمیه ظرف مدت

سه ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. با در نظر داشتن موارد فوق می‌توان پیشنهاد اصلاح بند «ج» ماده (۱۲) قانون «حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» را با رعایت نکات زیر مطرح نمود:

- ماهیت آموزشی راهنمایی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی برای اعضای هیئت علمی،
- توجه هم‌زمان به اصلاح آیین‌نامه‌های مربوط به تحصیلات تکمیلی و آیین‌نامه ارتقاء،
- لزوم توجه به فعالیت‌های فناورانه،

- رویکرد کاربردمحوری فعالیت‌های اعضای هیئت علمی،

بنابراین پیشنهاد می‌شود متن زیر جایگزین بند «ج» ماده (۱۲) قانون «حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی» شود:

بند «ج» در صورتی که تولید دانش فنی/ اختراع یا اکتشاف و نیز هر فناوری و نوآوری منجر به تولید و تجاری‌سازی محصول یا فرایند دارای اولویت و مورد نیاز کشور شده یا به حل یکی از مسائل اساسی کشور منتهی شود، جایگزین امتیازهای پژوهشی و فناوری مندرج در جدول ۶ آیین‌نامه جاری ارتقای مرتبه اعضای هیئت علمی و جداول مشابه در آیین‌نامه‌های بعدی تا سقف امتیازات مکتسبه خواهد شد.

شیوه‌نامه اجرای این بند توسط وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و شورای عالی حوزه‌های علمیه ظرف مدت سه ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.



ج) اصلاح آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی

با توجه به نکات مطرح شده فوق، می‌توان پیشنهادی به منظور اصلاح «آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی» نیز مطرح نمود. در همین زمینه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌تواند با افزودن تبصره‌ای به «ماده (۱۹) آیین‌نامه آموزشی دوره دکتری تخصصی (Ph.D) مصوب جلسه ۸۷۱ مورخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۱ شورای عالی برنامه‌ریزی آموزشی» آن را به شرح زیر اصلاح نماید.

تبصره «۲» - آن دسته از دانشجویانی که رساله‌های آنها از طریق تولید دانش فنی/ اختراع، اکتشاف و یا هر فناوری و نوآوری، منجر به تولید و تجاری‌سازی محصول یا فرایند دارای اولویت و مورد نیاز کشور شده یا به حل یکی از مسائل اساسی کشور منتهی شود (با تأیید مراجع ذیصلاح وزارتخانه)، بدون نیاز به چاپ مقاله علمی - پژوهشی و سایر شروط مربوط به کفایت علمی، مجاز به دفاع از رساله خود هستند.